



بحث: اگر اجزاء میتة را بخواهند به زنده پیوند بزنند، لازم می آید جسمی نجس به انسان زنده پیوند بخورد و این باعث بطلان نماز و وضو می شود:

مرحوم شهید مصطفی خمینی در کتاب خویش «تحریر العروة الوثقی» می نویسد:

«قد تعارف فی عصرنا الترقیع بأجزاء المیتة من الإنسان و غیره، حتّی الجزء المبان من الحیّ، فهل یمنع

ذلک مطلقاً؛ نظراً إلى ممنوعیة الانتفاع، أو یرخص مطلقاً؟

أو یفصل بین مواضع الانتفاع بها؛ لكونها مضرّة بصحّة الوضوء أو الصلاة؛ لتنجاستها؟

أو یفصل بین ما تحلّه الحیاة بعد الترقیع فوراً؛ بحيث لا یخلّ بالطهور و الصلاة، بعد جواز ذلک فی

موارد العسر و الحرج و الضرر؟ وجوه و احتمالات، أقواها الأخير.»^۱

توضیح:

۱. چهار احتمال در مورد ترقیع اجزاء میتة مسلمان مطرح است (حتی درباره اجزاء مُبان)

۲. الف) مطلقاً حرام است

ب) مطلقاً جایز است

ج) اجزائی که در جایی به کار برده می شود که مُضر به وضو و نماز است و چون نجس است و لذا این

اجزاء را نمی شود پیوند زد ولی در غیر آن اشکالی ندارد.

د) اجزائی که پس از ترقیع، فوراً دارای حیات می شوند و لذا ضرری به طهارت و نماز نمی زنند،

پیوندشان جایز است ولی غیر آن پیوندش جایز نیست.

۳. قول چهارم بر فرض عسر حرج جایز است.

۴. اقوی قول چهارم است.

ما می گوئیم:

۱. تعبیر ایشان که می گوید «بعد جواز ذلک فی موارد العسر و...» تعبیر کاملی نیست چراکه اگر عسر و

حرج و ضرر باشد، مطلقاً جایز است و به حکم ثانوی حکم حرمت (اگر هم موجود باشد) برداشته می

شود.

۱. تحریر العروة الوثقی، ص ۸۳.



۲. تفصیل ایشان بین «حلول حیات و عدم آن» ظاهراً به این سبب است که عضو در صورتی که حیات در آن حلول کند، دیگر میتة نیست و لذا طهارت دارد.
۳. اما بیوند عضو بدون حلول حیات، ظاهراً فرض ندارد.
۴. اما فرض سوم ایشان هم قابل مناقشه است چراکه ایشان این موضوع را درباره میتة انسان مطرح می کند، در حالیکه میتة مسلمان، بعد از غسل میت، پاک می شود و لذا قطع عضو اگر بعد از غسل میت باشد، شامل بحث نجاست نمی شود. اما میتة مسلمان قبل از غسل میت و یا اجزا میتة غیر مسلمان و یا میتة حیوانات کماکان تحت این عنوان باقی می ماند.
۵. قول چهارم، مورد فتوی حضرت امام هم می باشد، ایشان می نویسند:
- «لا مانع من قطع عضو میت غیر مسلم للترقیع، لکن بعده یقع الإشکال فی نجاسته و کونه میتة لا تصح الصلاة فيه، و یمکن أن یقال فیما إذا حل الحیاة فيه خرج عن عضویة المیت و صار عضواً للحمی فصار طاهراً حیا و صحت الصلاة فيه، و کذا لو قطع العضو من حیوان و لو کان نجس العین و رقع فصار حياً بحیة المسلم.»^۱
۶. به نظر می رسد علت طهارت آن نیست که بگوئیم «حلول حیات» از جمله مطهرات است بلکه تبدل موضوع از میتة به «حی» حاصل می شود.

بحث: آیا اجزاء حیوان نجس العین و یا اشیاء نجس العین، قابل اتصال به انسان است؟
با توجه به آنچه از امام خواندیم، پاسخ به این سوال نیز داده شده است.

۱. تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۶۲۴.